

به نام خدا

شرح زندگی آیه الله حاج شیخ علی بحرینی

فاطمه بدری^۱

^۱ - طلبه سطح ۲ پایه اول کارشناسی، گناه، خ جمهوری اسلامی فرعی ۱۰ جنوبی پلاک ۴۴. مدرسه الزهرا. ۰۹۱۷۲۷۱۶۹۳۷

اهمیت و ارزش علم برهرانسانی مبرهنواضح است. هرانسانی درهرگوشه‌ای از عالم آرزو دارد بتواند علم بیاموزد و فردی روشن و فرهیخته باشد و از تاریکی‌های جهل و نادانی نجات یابد. خداوند بواسطه علم چنان ارزش و اعتباری به بشر بخشیده است که بیان حق این مطلب از عهده فکر ناقص ما خارج است.

البته علم اگر توأم با عمل نباشد می‌تواند بسیار خطر آفرین و جهل افزا باشد. علم دارای ارزش و معنویت است که همراه با عمل باشد و عمل هم باید همراه با ورع و تقوا یعنی پرهیزکاری باشد. چنانچه درآموزه‌های دین مبین اسلام به آن اشاره شده است. امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید: ^۱ یس العلم یكثره التعلیم و انما هونور یقع فی قلب من یرید الله أن یریه یعنی علم و دانایی به آموختن زیاد نیست بلکه تنها و تنها نوری است که در دل آن کسی که خداوند هدایتش را بخواهد قرار می‌گیرد. و همچنین پیغمبر اکرم (ص) می‌فرماید: ^۲ بدترین بدان عالمان برهستند و بهترین خوبان عالمان خوب هستند. انسان بوسیله علم به کمال می‌تواند نائل شود. انسان کامل انسانی است از فرصت‌ها و نعمت‌های خدادادی اکثر بهره برداری نموده و اطاعت اوامر الهی کرده و چه بسا از فرشتگان هم بالاتر رسیده است. عالم بوسیله علم منزلتی بالاتر از شهید می‌یابد، پروبال فرشتگان، فرش راه او میشوند پرنندگان آسمان و ماهیهای دریا برای او آموزش می‌طلبند و خواب یک شب او بر هفتاد سال عبادت انسان عابد پرتوی می‌یابد. خداوند سبحان علم را برترین شرافت و نیز نخستین هفت برونزد آدم پس از نعمت آفریده شدن ^۱ - قرار داد، آن هم در نخستین سوره‌ای که بر پیامبرش محمد فرو فرستاد: «علم الانسان مالم یعمل» یاد داد به استان آنچه را نمی‌دانست امیدواریم خداوند حالات علم همراه با عمل نصیب ما بگرداند.

^۱ - المراد من منیه المرید، شهید ثانی
^۲ - المراد من منیه المرید، شهید ثانی

نگاهی کوتاه به شرح حال شخصیت های بزرگ علمای بحرینی از حدود دویست سال پیش تاکنون

از علمای بحرینی، نخستین کسی که از بحرین مهاجرت نمود، جد اعلای مشایخ بحرینی ها، حجه الاسلام والمسلمین عالم عابد، زاهد فاضل، مرحوم «شیخ عبدالعلی بحرینی» بوده که درکنگان مستقر شده بود وظیفه دینی وشرعی از قبیل امر به معروف ونهی از منکر، بیان مسائل حلال وحرام، اصلاح ذات بین وبه طور خلاصه آنچه وظیفه یک روحانی بوده انجام می داده است. (بحرینی، ۱۳۹۵، ص ۱۵)

خاطره تلقین

دختری جوان از دار دنیا رفته بود. مرحوم پدرم را برای اقامه نماز و تلقین بردند در تلقین دوم پدرم به تنهایی و در تاریکی شب به قبرستان کردوان رفت. پس از آن، مردم ماجرای راپیرامون آن تلقین بازگو می کردند. از پدرم پرسیدم حقیقت ماجرا چیه ؟ فرمود: همانطور که من میت را تلقین می دادم، احساس می کردم او هم جواب می دهد وبا شنیدن پاسخ، وجودم متلاطم گشت. (همان، ص ۲۹)

۲- بیوگرافی مولف

«علی بحرینی دشتی» فرزند احمد بن حسین بن محمد بن حسین بن عبد علی بن شیث بن سلیمان بن یوسف بن عبدالله بن یوسف ابن سلیمان که در سال (۱۳۴۹ هـ.ق) برابر با (۱۳۹۰ هـ.ش) در روستای «کردوان علیا» از توابع شهرستان «خورموج دربندر بوشهر» به دنیا آمد. پدرم، عالم زاهد، حضرت حجه السلام والمسلمین شیخ «احمد بحرینی» از اوتاد وارکان زمانه بود ومادرم، جلیله مرکمه، فاطمه بدری دختر عالمزاهد، زایر عبد علی بدری بود. حدود هشت سالم بود که مادرم را از دست دادم و زیر تربیت وحمايت پدر زندگی می کردم! خواندن قرآن و کتاب های ادبیات فارسی را تقریبا در سن ده سالگی به پایان رسانیدم. قسمتی از ادبیات عرب از نحو و صرف، نزد پدر محترم وعموزاده ام، حجه السلام والمسلمین حاج شیخ «حسن امامب حجتی» آموختم. تا اینکه در سال (۱۳۶۹ هـ) همراه برادرم، مرحوم حجه السلام والمسلمین، حاج شیخ «عبدالمهدی بحرینی» برای ادامه

تحصیلراهی نجف اشرف شدیم و در آنجا به فراگیری جامع المقدمات پرداختیم. شرح انموذج نزد آیه الله حاج شیخ «عباس محمود» و صمدیه نزد مرحوم آیه الله حاج شیخ «عباس محمودی» فراگرفتیم. سمت زیادی از کتاب سیوطی را نزد حجه السلام والمسلمین حاج سید «علی شادگانی» تلمیذ نمودیم و قسمت دیگر از سیوطی و جامی رانزد حجه السلام والمسلمین سید «کاظم سرابی» آموختیم. ایشان عجیبی بر ادبیات عرب داشت. عمده کتاب مطلق را نزد استاد مدرس شیخ «محمد علی افغانی» خواندیم و کتاب معروف به حاشیه ملا عبدالله رانزد استاد بزرگوار افغانی ای که بسیار مسلط بود و نامش را فراموش کرده ام، فرا گرفتیم باب رابع مغنی رانزد حجه السلام والمسلمین حاج شیخ «جواد غروری دشتی» و باب اول مغنی رانزد حجه السلام والمسلمین حاج شیخ «جواد غروری دشتی» و باب اول مغنی رانزد حجه السلام شیخ «علی مازندرانی» تلمذ نمودیم و به طور خلاصه ظرف مدت کمتر از دو سال ادبیات عرب، منطق، مقداری معانی و بیان به پایان رسانیدم. (همان، ص ۳۴)

بیماری و

ولی دیری نپایید، تسلیم تقدیر الهی شدم و توفیق ادامه تحصیل علم از من سلب شد! چرا که ناگهان دچار سردرد شدیدی شدم، باین حال بدون مراجعه به دکتر، از قرص های مسکن استفاده نمودم و در جلسات درس شرکت می کردم. به تدریج حالم بدتر شد و دچار تب شدم؛ به طوری که از درس و بحث بازماندم. مرحوم برادرم حال مرا به آیه الله حاج شیخ محمد محمودی رسانید و ایشان به اتاق من تشریف آوردند و وضع مرا که مشاهده نمودند. فرمودند: «خواهیدن شما به تنهایی و با این حال در مدرسه صلاح:»

به هر حال بنده را به منزل بردند و خانواده های مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد محمودی و آیه الله حاج شیخ عباس محمودی از من پرستاری نمودند. حدود بیست روز در بستر بیماری بودم و از زندگی خود مایوس شده بودم! پس از مدتی مقداری بهبودی حاصل نمودم با اینکه بنیه ام ضعیف و نحیف شده بود و می بایست حداقل یک ماه استراحت می کردم و تقویت می شدم، ولی به عشق درس با حالت ضعف باز در جلسات درس حاضر شدم. مدت

کمی درس را ادامه دادم؛ باز حالم بد شد؛ سردرد شدید وضعف زیاد به سراغم آمد؛ به طوری که هنگام که میخواستم بایستم، چشمم سیاهی می رفت و از حرکت باز میماندم! « ماندن شما به هیچ وجه در نجف صلاح نیست و باید به وطن برگردید! با اصرار حضرت آیه الله محمودی و دیگران ناچار به ترک نجف شدم و این مسافرت طوری برایم تلخ بود که به مرگ خود راضی بودم ولی چاره ای جز تسلیم نبود. به هر حال از نجف اشرف به سوی «کردوان» مهاجرت نمودم. هنگامی که وارد کردوان شدم و مردم حال مرا در مقایسه با قبل مشاهده نمودند، شگف زده شدند. هر کس برای خود نسبت به وضع بیماری من سخنی می گفت. عده ای می پنداشتند سل دارم. بعضی دیگر می گفتند: «صد در صد یرقان دارم»! به هر حال نزدیک به دو سال مرا با داروهای محلی مداوا کردند. مقداری بهبودی حاصل شد. در این مدت بیشتر فکر بنده عقب ماندن از تحصیلات علوم دینی بود؛ از این جهت از عموزاده ام « آقای حاج شیخ حسن امامی حجتی » درخواست نمودم که دروس عقب مانده را به من بیاموزد. ایشان این زحمت را قبول فرمودند. جلد اول شرح لمعه و معالم الاصول را شروع کردیم. ایشان شخصی فاضل و استاد بودند. بیشتر کتاب معالم الاصول و جلد اول کتاب شرح لمعه تقریباً تا آخر کتاب صوم با دقت نزد ایشان خواندم و سپس با کسب اجازه از پدر محترم تصمیم گرفتم برای معالجه به شیراز بروم تا اگر توفیق پیدا نمودم، درس را در آنجا ادامه دهم. شیراز رفتم و در مدرسه «مدرسه خان» جا گرفتم و به ادامه تحصیل و مداوای بیماری ام پرداختم؛ ولی نتیجه ای نگرفتم! ماه رمضان رسید؛ دچار ضعف فوق العاده شدن. نظر پزشکین بود که با چنین حالی، روزه گرفتن به صلاح شما نیست. ولی من به رايخود روزه گرفتم، اما نتوانستم تا آخر ادامه دهم. وقتی دیدم با هوای خوی شیراز و دکترهای خوب باز هم کاری برای تشخیص و بهبودی بیماری من نشد به کردوان برگشتم. مدتی دیگر در کردوان ماندم و شب و روز در فکر صفای نجف اشرف و حوزه عملیه خوب نجف بودم.

حسن جمال نیک تدریس نمودم. نیز فاضل گرامی شیخ عباس حاجیانی نیز مقداری نزد تلمذ داشتند
(همان، ص ۴۰).

پیاده رفتن به کربلا

یکی از خاطرات شیرین نجف اشرف، پیاده رفتن علما و بزرگان و طلاب به زیارت «اباعبدالله حسین» و یاران
و اصحاب و برادران و اولاد آن بزرگوار بود. شخصیتی مانند مرحوم آیه الله العظمی «حاج سید محمودی شاهرودی»
آیه الله «سید عبدالله شیرازی» دسته دسته حرکت می کردند. علما و طلاب با حالات خاصی و با پای پیاده، رهسپار
کربلا می شدند. (همان، ص ۴۵)

تهذیب نفس جلد اول:

در اینجا به بررسی آثار علمی آیت الله حاج شیخ علی بحرینی «دام ظلّه» می پردازیم. ایشان ۳ جلد کتاب تحت عنوان تهذیب نفس به رشته تحریر در آورده اند. که به بررسی هر یک می پردازیم. جلد اول کتاب تهذیب نفس درباره توبه و پشیمانی از گناه و آداب و شرایط توبه می باشد. ایشان در ابتدای جلد اول به بررسی شخصیت و کرامت انسان از دیدگاه قرآن کریم و نهج البلاغه و روایات می پردازند و حرفشان این است تا راه دستیابی انسان به کرامت و مقام معنوی از طریق خداوند را بیان کنند. ایشان با استناد به آیه ۱۳ سوره مبارکه حجرات که در این آیه خداوند می فرماید: ان اکرمکم عندالله اتقلکم به این موضوع اشاره می کنند که گرامی ترین و با افتخارترین انسانها نزد خداوند با تقواترین آنها می باشد. اینکه گروهی از انسانها معیار شخصیت و انسانیت را در مقامات بلند اجتماعی و سیاسی و یا ماندنی می پندارند. گروه دیگر معیار ارزش را قبیله، اجداد و پدران خود می دانند و به آن فخر می کنند، اما قرآن کریم بر تمام اینگونه ارزشهای واهی و خیالی خط بطلان کشیده و ملاک ارزش و عزت انسان را تنها در داشتن تقوا و پرهیزکاری می داند در بخش دیگری از این کتاب به ارزش انسان از دیدگاه نهج البلاغه پرداخته می شود. در این قسمت خطبه همام که یکی از یاران امیرالمومنین علی (ع) بوده است مورد بررسی قرار می گیرد. در بخش دیگر از این کتاب ارزش انسان از دیدگاه روایات مورد بررسی قرار می گیرد. در این قسمت با بیان روایتی از امام صادق (ع) که از مفضل بن عمر وارد شده ارزش کار با تقوا مورد کنکاش قرار می گیرد. که امام صادق (ع) به مفضل می فرماید: عمل کم و اندک ولی با تقوا بهتر است از عمل زیاد ولی بدون تقوا در ادامه توبه از دیدگاه قرآن کریم، آیات ناسخ و منسوخ قرآن، شرایط اجرای حد بر سارق امر به معروف و نهی از منکر، کیفیت توبه از گناهان کبیره و سایر مطالب اساسی در باب توبه مورد بررسی قرار می گیرد. (رک: بحرینی، ۱۳۷۵، ج ۱ صص ۱۲-۱۲۴)

تهذیب نفس جلد دوم:

کتاب تهذیب نفس شامل فضیلت تقوی و اوصاف متقین می باشد، در ابتدا در باب فضیلت تقوا به کتاب بحارالانوار علامه مجلسی اشاره می شود که علامه مجلسی در جلد ۷۰ بحارالانوار دهها آیه مربوط به تقوا ذکر کرده است.

همچنین مرحوم طبری در کتاب تفسیر کبیر مجمع البیان می فرماید: از پیامبر (ص) نقل شده که فرموده اند:

تمام معنای تقوا در این گفتار خدای متعال نهفته است که آن فرمان به عدالت و احسان باشد یعنی کسی که درست کار باشد و احسان کند او اهل تقوا است قسمت دیگری از جلد ۲ کتاب تهذیب نفس اختصاص به کبائر یا گناهان کبیره دارد که مولف محترم نظرات مفسران و بزرگان را درباره گناهان کبیره و سرانجام مرتکبین گناهان کبیره بیان می کند. مثلاً از جمله گناهان کبیره خوردن ربا است و دلیل براین گفتار خداوند عزوجل است که می فرماید: الذین

ياكلون الربا لا يقومون الا كما يقوم الذي يتحبطه الشيطان من المس (سوره بقره آيه ۲۷۷) کسانی که ربا می خورند، بر نمی خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان دیوانه شده و نمی تواند تعادل خود را حفظ کنند گاهی به زمین می خورند و گاهی بپا می خیزد. و بخش دیگری از جلد دوم به برخی موارد اخلاقی مانند مزاج گاهی حرام، گاهی مکر و گاهی هم ممدوح و مستحب است. حرام، خنده ای است که باعث ایذاء و ناراحتی مومنی گردد یا مثلاً خنده بلند با این که حرام نیست اما مکروه است. و درروح انسان اثر سوء می گذارد و دل را می میراند و در نتیجه دل را می میراند برخی دیگر از نکاتی که در جلد دوم به آن پرداخته می شود عبارتند از: حقوق والدین، حرمت استماع غیبت، عوامل تخفیف عذاب قبر و سایر موارد. (رک:بحرینی، ۱۳۷۵، ج ۲، صص ۱۲_۱۳۵)

تهذیب نفس جلد سوم:

کتاب تهذیب نفس اختصاص به علم اخلاق دارد. در علم اخلاق بحث می شود که تهذیب نفس از چه حاصل می شود و فساد نفس از چه ناشی می شود. در این راستا می توان گفت غرض کلی ازبعثت رسولان خدا، آموختن این علم است. همچنانکه منقول از رسول اکرم است که فرمود: انی بعثت لاتمم مکارم(اخلاق یعنی مبعوث شدم که اخلاق حسنه را به انجام رسانم و تمام کنم پس بر هر کسی لازم است که مقداری از اوقات خود را صرف شناختن معایب و کمالات نفس و طریقه معالجه آن کند و با رجوع به کتب اخلاق و حضور مکرر در محضر مکرر علما و دانشمندان و وعاظ و شنیدن سخنان اهل دین و تقوی و عمل به آگاهی های بدست آورده خود را مهذب کند. همچنین راههای شناخت علم اخلاق از دیدگاه قرآن، گفتار پیامبر (ص) و ائمه اطهار(علیهم السلام)، کتابهای اخلاقی و روایتی مورد بررسی قرار می گیرد و بیان می کند که بزرگان و شخصیت های دینی کتابهایی درباره علم اخلاق نوشته و به آن اختصاص داده اند: مانند کتابهای دو پدر و پسر عالم و بزرگوار یعنی مرحوم علامه شیخ مهدی نراقی - صاحب کتاب جامع السعادات - و فرزند بزرگوارش حضرت علامه شیخ احمد نراقی صاحب کتاب معراج السعاده که این دو کتاب بهترین کتابهایی است که در علم اخلاق نوشته شده و برای هر کسی لازم است که این دو کتاب بزرگ را مورد مطالعه خود قرار داده و از آنها بهره میبرد. قسمتی از این کتاب به موضوع مهم صبر اختصاص دارد و بیان می شود که در بعضی روایات آمده که : الصبره من الایمان بمنزله الراس من الحسد. رابطه صبر با ایمان مانند ارتباط سر به بدن است. چنانچه سر از بدن جدا شود انسان دچار مرگ و نابودی دنیوی می شود. خدواند تبارک و تعالی در قرآن مجید عنایت خاصی به صبر دارد و شاید در قریب به هفتاد آیه قرآن از صبر سخن گفته اند. بخشهای دیگر جلد ۳ کتاب تهذیب نفس شامل بررسی علم دنیا، علم آخرت، راههای شناخت علم اخلاق، وجوب تحصیل و فرا گرفتن علم و دانش، حالات عالم و اهمیت ازدواج، ترس از محاسبات الهی، پیامبر گناه در دنیا و سایر موارد می باشد. (رک:بحرینی، ۱۳۷۵، ج ۳، صص ۸_۱۱۹)

- دیگر اثر آیت اله بحرینی مدظله کتاب فرزنانگان کردوان علیا و استفتائات می باشد. ایشان در این کتاب شرح حال زندگانی خود و سایر بزرگان و مومنان روستایشان کردواوالم و الایمان بوده را بررسی می کند. از زمانی که

اجدادشان از بحرین به کنگان و سپس به سایر نقاط استان بوشهر مهاجرت کردند را بیان می کنند. همچنین از دوران تحصیلات علمی شان در نجف اشرف و در محضر بزرگان آن دوره حوزه با عظمت نجف اشرف می گویند: بزرگانی همچون آیت اله خوئی (ره)، شهید آیت اله مدنی (ره) و سایر علمائی که در راه ترویج و اشاعه مکتب رفیع اهل بیت (ع) گامهای اساسی و زیربنائی برداشته و در راه اقامه حدود الهی در روی زمین از هیچ تلاشی دریغ نکردند و با وجود مرارتهای و مشقتهای بسیار اما در این راه دشوار دچار سستی نشدند و گسترش احکام اسلام را سرلوحه کردار خود قرار دادند، در پایان این کتاب هم استفتائاتی از محضر بزرگان و مراجع همچون حضرت امام خمینی (ره) آیت اله مکارم شیرازی، آیت اله خوئی (ره) و سایر بزرگان ارائه می دهند.

نتیجه گیری

بررسی زندگی علما و بزرگان و تحمل مرارتها و سختیهای روزگار، انسان را به تاملی عمیق در زندگی آنها و می دارد حرکت و نیت ابتدایی علما و بزرگان در طی طریق الهی هموار با مواجهه با سختیها و شرایط بد دوران همراه بوده است. چه مشکلات اقتصادی و چه سختی و شرایط بر دوران همراه بوده است. چه مشکلات اقتصادی و چه سختی و شرایط بر دوران همراه بوده است. چه سختی هدایت مردمان روزگار اما عشق و امید به فضل الهی و مدد و یاری الهی همراه آنان را در پیمودن این راه دشوار، استوارتر کرده است. چگونگی گذران معاشر و امور روزمره طالبان علم، گاهی اوقات با عقل و فکر آدمی همخوان نمی باشد اما طالب علم در مسیر پیمودن علم می بیند که چطور الطاف و انعام و فضائل الهی به سوی او روانه می شود و حتی گاهی صبا صبا این الطاف و فضائل بسوی طالب علم روانه می گردد که حتی طالب علم باعث دستگیری و معاونت و رفع گرفتاری دیگران می گردد. علاوه بر اینها عالمان دین با کسب معنویت و ارتباط با خدای قادر متعال باعث زودون مسائل و مشکلات روحی و روانی و معنوی افراد جامعه می شوند و همچون پدری مهربان و دلسوز، مرشد و راهنمایانسانها می شوند. سعی وافر و عصبیت عالماندین نسبت به اقامه حدود الهی و گسترش احکام و دستورات دین و اجرای دستورات الهی در روی زمین انسان را به یاد تلاشهای پیغمبر و رحمت در راه هدایت بشریت می اندازد. آن پیغمبری که حتی نسبت به آخر و عاقبت امتش هم بسیار نگران و مضطرب می شوند و گونه ای که مشهور است که خداوند به پیغمبر فرمودند آنقدر از امت می بخشم تا تو راضی شوی و اینجا بود که پیغمبر رحمت الهی و خشنود می گردند.

منابع

۱. بحرینی دشتی، علی، ۱۳۷۵، تهذیب نفس، جلد ۳، قم: انتشارات دارالتفسیر.
۲. _____، فرزندگان کردوان علیا و استفتائات، قم: انتشارات مند.